فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال هشتم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۷، صص ۲۱ - ۱

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۰۸۰۲۰۱

تبیین جامعه‌شناختی و اولویت‌بندی زمینه‌ها و بسترهای محرک پیوستن پیکارجویان به گروه تروریستی داعش از منظر صاحب‌نظران ایرانی[۱]

مصطفی مرادی [۲]
دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز
فریبا شایگان [۳]
استاد دانشگاه علوم انتظامی امین (نویسنده مسئول)
منیژه نویدنیا [٤]
استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰٤/۱٤ **تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۵/۲۸**

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

چکیده

تحقیق حاضر با هدف شناسایی و اولویت‌بندی زمینه‌ها و بسترهای محرک پیوستن پیکارجویان به گروه تروریستی داعش به صورت پیمایشی صورت گرفت. جامعه آماری صاحب‌نظران و اساتید رشته‌های علوم انسانی اختصاصا جامعه‌شناسی، علوم سیاسی و مطالعات خاورمیانه و تروریسم بودند که با نمونه‌گیری گلوله‌برفی ۳۰ نفر از آن‌ها انتخاب شد. به لحاظ تئوری از نظریه آرنت، تاجفل، اسپرینگز، ماکرس استفاده شد همچنین برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون تی تک‌نمونه‌ای و فریدمن بهره گرفته شد. نتایج تحقیق نشان داد؛ ٤ زمینه و بستر اصلی به عنوان مهم‌ترین بسترها در پیوستن پیکارجویان به داعش شناسایی شد؛ شکاف‌های طبقاتی با میانگین رتبه‌ای ۱۵/۲۰، نابرابری اقتصادی-درآمدی (۱٤/۷۷)، بیگانه‌ستیزی و اسلام‌هراسی در غرب (۱۳/۹۵)، و بحران هویت (۱۳/٦۸). گروه دوم زمینه‌ها و بسترها از لحاظ درجه اهمیت (از منظر پاسخگویان) شامل تبعیضات (شغلی، درآمدی، استخدامی، خدماتی، مهارتی و آموزشی مهاجران) (۱۲/۱۵)، ناامیدی از بهبود شرایط زندگی (۱۲/۱۳)، سرخوردگی و ناکامی در رسیدن به اهداف آینده (۱۱/۸۳)، طرد سبک‌زندگی غربی (۱۱/۵۷) و بی‌عدالتی اجتماعی- اقتصادی (۱۰/۹۰)، محرومیت نسبی (۹/۹۷)، طرد اجتماعی و نادیده‌گرفتن‌شدن (۷/٦۷)، بیگانگی اجتماعی(۷/۳۵)، حاشیه‌نشینی(۷/۰۳)، فقر (٦/٤۰) و بیکاری (۵/٦۸).

واژه‌های کلیدی: زمینه‌ها و بسترهای محرک؛ محورمیت نسبی، فقر، تروریسم، داعش.

۱. این مقاله مستخرج از پایان نامه دکتری مصطفی مرادی با عنوان زمینه های اجتماعی و تاریخی شکل گیری داعش در عراق است که به راهنمایی سرکار خانم دکتر فریبا شایگان و مشاوره سرکار خانم دکتر منیژه نویدنیا دردانشگاه آزاد واحد تهران مرکز در حال انجام است

2. mostafa_m73@yahoo.com
3. shayegan_fa@yahoo.com
4. navidnia@hotmail.com

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-13]

مقدمه و بیان مسأله

امروزه فعالیت‌های تروریستی و اقدام‌های خرابکارانه گروه‌های تروریست که در کشورهای مختلف اتفاق می‌افتد، صحنه تلخی از رفتارهای انسانی است که ضمن قربانی‌شدن عده‌ای از انسان‌های بی‌گناه در آن، خسارت‌های جبران‌ناپذیری به دولت‌ها و ملت‌ها وارد می‌کند؛ فعالیت‌هایی که اگرچه بازیگران آن ملیت‌های مختلفی دارند، اما در حال حاضر مرکز رشد و گسترش آن در خاورمیانه و به ویژه کشورهای عراق و سوریه است.(Awan, 2015: 25) روند فعالیت‌های تروریستی-تکفیری در خاورمیانه از سال ۲۰۱۰ روبه‌فزونی نهاده است. معرف چنین الگوی رفتاری خشن و خطرناکی، گروه‌هایی نظیر داعش و جبهه‌النصره هستند که با تصرف بخش‌های وسیعی از مناطق سرزمینی در عراق و سوریه، موجودیت قلمرویی یافته‌اند و داعیه برقراری نظام خلافتی را در سر می‌پروراندند (کوهکن‌باقری، باقری، ۱۳۹٤: ۱۸۸). اشتغال موصل در ژوئن ۲۰۱٤ از مهم‌ترین تحولات منطقه‌ای و داخلی کشور عراق پس از سقوط رژیم بعث به شمار می‌آید. به اشغال موصل، داعش توانست خود را به عنوان یک کنشگر غیردولتی فعال‌تر از گذشته نشان دهد. تا قبل از آن، تحرکات این گروه بیش‌تر حالت شورش در سطح مناطقی از عراق را داشت، اما با اشغال ناگهانی تعدادی از شهرهای عراق، طی مدتی بسیار کوتاهی توانست چهره دیگری از خود به نمایش بگذارد و تاحدودی به شعارهای خیالی تشکیل امارت اسلامی در قسمتی از عراق و سوریه برسد. داعش نشات‌گرفته از القاعده عراق (در طی ۲۰۰۱ تا ۲۰۰٦) است (Abbas, 2015: 12) قدرت داعش را نباید فقط براساس توان نظامی این گروه در تصرف بخش‌های وسیعی از سوریه و عراق ارزیابی کرد بلکه تامین مناسب مالی و از آن مهم‌تر جذب و سازماندهی جنجگویان از خاورمیانه، آسیای مرکزی، شمال آفریقا و اروپا را باید مهم‌ترین قدرت این گروه بشمار آورد (Cesari, 2014: 45) شواهد موجود حاکی است داعش سازمانی منسجم، دارای قدرت مانور زیاد، بهره‌مند از منابع گسترده، فعال در شبکه‌های اجتماعی و دارای اهداف مشخص در ابعاد اجتماعی، اقتصادی، و ایدئولوژیک است. فارغ از همه تحلیل و بررسی‌هایی که در مورد چگونگی فعالیت گروه‌های تروریستی و چگونگی مقابله با آن عنوان می‌شود و یا تحلیل‌هایی که ناظر بر دامنه جغرافیایی فعالیت آنها یا دخالت قدرت‌های بیگانه در شکل‌گیری آن‌هاست، موضوع مهم دیگری که در بررسی‌ها از آن غفلت شده است، زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی تولید و گسترش اندیشه‌ها و

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-13]

شکل‌گیری گروه‌های تروریستی است؛ زمینه‌هایی که منعکس‌کننده وضعیت طبقات و اقشار مختلف، و سیاست‌های اقتصادی–اجتماعی اعمال‌شده بر افرادی هستند که جذب گروه‌های تروریستی شده‌اند(Hoyle et al, 2015: 1). در این میان، داعش یکی از مهم‌ترین گروه‌هاست که به دلیل پیروزی‌هایی که در سال‌های گذشته در کشور عراق و سوریه به دست آورده بود توانسته بود بر حجم قابل‌توجهی از منابع مادی این کشورها مسلط شود و با تقویت پایه‌های اقتصادی دامنه فعالیت‌های خود را نیز افزایش دهد؛ گروهی که در بسیاری از فعالیت‌های تروریستی جهان نقش محوری داشت(Neumann, 2015: 2).

گروه ترویستی داعش به مثابه سایر گروه‌های تروریستی معمولا در شرایط بحران‌زا ایجاد شد و با بهره‌گیری از مولفه‌هایی چون بی‌ثباتی سیاسی، خلاءهای امنیتی و بافت‌های اجتماعی شکننده که محصول سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی نسنجیده حاکمان بود فرصت رشد و نمو پیدا کرد. باتوجه به این که گروه داعش دارای حامیانی بود که از بُعد اقتصادی اعم از مالی و تسلیحاتی آن‌ها را تامین می‌کرد به سرعت دامنه نفوذ و قدرت خود را در بخش‌های وسیعی از عراق و سوریه گسترش داد (Peresin, 2015)) اما نکته مهم این است که گروهی تروریستی داعش توانسته بود جتگجویانی از کشورهای آسیای مرکزی، قفقاز و حتی کشورهای اروپایی را جذب کند که حتی برخی از این جنگجویان ابتدا مسیحی بوده و سپس مسلمان شده بودند، اگرچه پیوستن جنگجویان خارجی به جنگ‌های داخلی پدیده جدیدی نیست و نمونه‌های تاریخی متعددی برای آن می‌توان برشمرد از جمله، جنگ داخلی اسپانیا و انقلاب آمریکا (۱۸۳۵)، جنگ افغانستان در دهه ۸۰ میلادی، جنگ عراق در سال ۲۰۰۳ و جنگ روسیه و چچن در سال ۱۹۹۵؛ اما نمونه عراق و به ویژه سوریه در ابعاد و مقیاس و ماهیت و مشخصات جنگجویان متفاوت از همه آن‌هاست(Briggs and Silverman, 2014: 22). در منابع مربوط به مشخصات جنگجویان داعشی دو گروه از افراد مشخص شده‌اند؛ گروهی از جنگجویان داعشی زنان و مردانی جوان، تحصیلکرده، از طبقه متوسط و با مدارک دانشگاهی هستند که اغلب از کشورهای اروپایی آمده‌اند از جمله جنجگویان فرانسوی (۱۲۰۰ تن)، بریتانیایی (۶۰۰–۵۰۰ تن) و آلمان (۶۰۰–۵۰۰ تن) اما بخش دیگری از جنگجویان داعشی نیز زنان و مردانی جوان، از طبقات کم‌درآمد و محروم، بیکار و از خانواده‌های پرجمعیت بوده‌اند این جنجگویان اغلب از کشورهای آسیای مرکزی

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-13]

شامل کشورهای قزاقستان (۱۰۰ تن)، قرقیزستان (۸۰۰ تن)، ازبکستان (۱۰۰۰-۸۰۰ تن)، تاجیکستان (۱۰۰۰-۸۰۰ تن) بوده‌اند(Zavadski, 2015:2) سیمای اجتماعی فعالان داعش به سیمای اجتماعی گروه‌های سنی جوان نزدیک است اگرچه یکی از عوامل اصلی در پیوستن افراد خارجی به گروه داعش انگیزه‌های مادی و اقتصادی است اما با صرف آن نمی‌توان به توضیح دقیق و واقع‌بینانه از ورود این افراد دست یافت؛ به عبارتی علاوه بر افراد فقیر و بیکار که به داعش ملحق می‌شوند، برخی از این پیکارجویان داعشی نیز از وضعیت مناسب اقتصادی برخوردارند (Makhefi, 2015: 14; Martinez, 2016: 2) پژوهش حاضر باتوجه به خلاء موجود در پژوهش‌های داعش صورت گرفت چه بسیاری از پژوهش‌های مربوطه تنها به عوامل سیاسی و دخالت‌های بیگانگان توجه داشته و از وضعیت داخلی، اجتماعی-اقتصادی و سیاست‌گذاری کشورهای میزبان داعش غفلت ورزیده بودند براین اساس، تحقیق حاضر درصدد پاسخگوئی به سئوال زیر است؛ چه زمینه‌های اجتماعی-اقتصادی در پیوستن جنگجویان خارجی به گروه تروریستی داعش موثر بوده است؟

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

سال هشتم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۷

۲- پیشینه تحقیق

۲-۱. پژوهش‌های تجربی

اگرچه مطالعات خوبی در زمینه علل شکل‌گیری داعش صورت گرفته است لیکن مطالعات اندکی در ارتباط با زمینه‌های اجتماعی-اقتصادی مشوق پیوستن پیکارجویان خارجی به گروه داعش بوده است. اشرف‌نظری و پیرانی (۱۳۹۶) در تحقیقی با عنوان «تحلیل کنش‌های خشونت‌بار داعش از چشم‌انداز روان‌شناسی سیاسی؛ با تاکید بر نظریه تعارض واقع‌گرایانه» نشان دادند؛ خشونت داعش، حاصل مجموعه‌ای از عوامل از قبیل واکنش به تجربه استعمار، بحران هویت، ناکامی-سرخوردگی، تحقیر، تبعیض و جنگجویان خارجی به ویژه کشورهای غربی که حس تبعیض و تحقیر، شهروند درجه دو بودن و فقر را القاء می‌کنند، سبب رواج خشونت عریان از سوی داعش شده است (اشرف‌نظری، پیرانی، ۱۳۹۶). تحقیق امینیان و زمانی‌زمانی (۱۳۹۵) با عنوان «چارچوبی نظری برای تحلیل رفتار گروه داعش» نشان داد؛ علل گرایش به این هویت‌جمعی به‌شدت افراطی محصول شکست فرایندهای بدیل در جهت همبستگی و ثبات مردم این منطقه، تاریخ گذشته کشورهای عربی

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-13]

و شکست فرایند ملت‌سازی؛ به ویژه در عراق و ریشه در ناکامی‌های سیاسی، اجتماعی و تبعیض‌ها و نابرابری‌های اقتصادی دارد که ساختارهای سیاسی–اقتصادی کشورهای عربی آن را به جامعه‌شان تحمیل کرده است (امینیان، زمانی‌زمانی، ۱۳۹۵).

تحقیق کوهکن‌باقری و باقری (۱۳۹٤) با عنوان «زمینه‌های شکل‌گیری گروه داعش در آسیای مرکزی» نشان داد؛ از جمله بسترهای سیاسی محرک ظهور داعش را باید در اقدامات نادرست رهبران منطقه و ساختار اجتماعی جوامع منطقه، فقر مادی و بیکاری، فعالیت رسانه‌ای اجتماعی و مجازی داعش دانست. همچنین در پژوهش مذکور، ژئواستراتژیک‌بودن منطقه و همجواری آن با سه قدرت روسیه، چین و ایران، قرارداشتن دره فراغانه به عنوان کانون جغرافیایی بحران‌زا در این منطقه و نیز همجواری منطقه با افغانستان و تاثیرپذیری آسیای مرکزی از تحولات افغانستان و وجود نارکوتروریسم منطقه‌ای همگی از جمله عوامل ژئوپلوتیکی دخیل در این موضوع هستند (کوهکن‌باقری و باقری، ۱۳۹٤). کریمی‌مله و گرشاسبی (۱۳۹٤) در تحقیقی با عنوان «بررسی چرایی پیوستن جنگجویان خارجی به داعش» نتیجه گرفتند؛ جنگجویان به دلیل سرخوردگی و داغ‌ننگ و بحران هویت ناشی از پدیده اسلام‌هراسی در غرب، به منظور معنابخشی به خویشتن و رهایی از وضع اسف‌بار هویتی و حفظ و نمایش ارزش‌های خود به داعش پیوسته‌اند (کریمی‌مله، گرشاسبی، ۱۳۹٤). تحقیق محمدیان و ترابی (۱۳۹٤) با عنوان «بسترها و عوامل موثر در شکل‌گیری گروهک تروریستی داعش» که با رویکردی توصیفی–تحلیلی صورت گرفته بود یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که می‌توان از ایدئولوژی سلفی–جهادی، عوامل داخلی (ضعف دولت و نیروهای نظامی، تعامل با گروه‌های سیاسی، عوامل جغرافیایی، اختلافات قومی، عوامل اجتماعی–اقتصادی)، عوامل منطقه‌ای (بحران سوریه، حمایت‌های مالی و نظامی عربستان و قطر به منظور سرنگونی حکومت اسد و همکاری‌های ترکیه با گروه‌های مخالف اسد) و از نقش غرب به رهبری ایالات‌متحده (به بهانه کمک به ثبات منطقه و عراق، مبارزه با تروریست‌ها و تلاش برای ایجاد حکومت مردمی در سوریه) به عنوان عوامل فرامنطقه‌ای موثر در شکل‌گیری گروهک تروریستی داعش نام برد (محمدیان، ترابی، ۱۳۹٤). تحقیق زارعان (۱۳۹٤) که به روش اسنادی–توصیفی و با عنوان «زمینه‌های ظهور و گسترش داعش در محیط امنیتی غرب آسیا» نشان می‌دهد: اندیشه تکفیر مبتنی بر سلفی‌گری به عنوان زمینه فکری و مقاومت در برابر

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-13]

امواج جهانی‌سازی به عنوان زمینه‌ای فرهنگی، موجبات ظهور و گسترش داعش در جغرافیای جهان اسلام را فراهم کرده‌اند. در سطح ملی، داعش در خلاء رهبری و بحران هویتی اهل سنت، با استفاده از احساسات مذهبی آنان، در جغرافیای دولت‌های فرومانده ظهور کرد و اقتدار این دولت‌ها را به چالش کشید. در سطح منطقه‌ای، به عنوان بازیگری غیردولتی، با بدیل‌سازی از گفتمان اسلام‌گرایی، به مقابله با گفتمان انقلاب اسلامی و محور مقاومت پرداخت. در سطح بین‌المللی نیز جنگ بین‌تمدنی را که آمریکایی‌ها منادی و مدعی آن بودند، به جنگی درون‌تمدنی تبدیل تبدیل و در جهت اسلام‌هراسی حرکت کرد (زارعان، ۱۳۹٤).

تی‌سه[1] (۲۰۱٦) در تحقیقی با عنوان «داعش و ثبت‌نام: چطور ویژگی‌های جمعیت‌شناختی در پیوستن به گروه داعش نقش بازی می‌کنند؟» نشان داد؛ برخی از اعضای داعش ۳۰-۱۵ ساله هستند و از طریق شبکه‌های اجتماعی جذب این گروه شده‌اند. پیوستن برخی از اعضای داعش به مثابه یک جایگزین در زندگی آن‌ها مطرح بوده است و برخی دیگر به علت ایدئولوژی داعش بوده است. برخی از اعضای داعش از مدارس انصراف داده بودند زمانی که احساس کردند گزینه‌های زندگی‌شان محدود است؛ ثروت و درآمد کم برخی از اعضاء داعش فرصت‌های کمی را برای آن‌ها فراهم می‌آورد، به ویژه در کشورهای غربی؛ در حالی که داعش قول فراهم‌آوردن کالاهای لوکس، زن، و ثبات مالی را به آن‌ها داده بود. اعضای داعشی که از طبقات اجتماعی-اقتصادی کم‌درآمد بودند در فراهم‌آوردن نیازهای اساسی با مشکل مواجه بودند در حالی که داعش قادر به تهیه سرپناه، غذا و نیازهای اساسی برای بقاء آن‌ها بود. افراد ثروتمند که به داعش پیوسته بودند، این پیوستگی را نوعی هیجان و هویت می‌دانند؛ از جمله زنان متعلق به طبقات مرفه در غرب که به گروه داعش پیوسته بودند سبک زندگی غربی را رد می‌کردند(Tse, 2016) . هادرا[2] (۲۰۱۵) در تحقیقی با عنوان «داعش: گذشته، حال و آینده؟» نتیجه گرفت؛ اساسا داعش با استفاده از رسانه‌های اجتماعی، پیام خود را به جهانیان انتقال داد و کمپین داعش در شبکه‌های اجتماعی نظیر یوتیوب و توییتر خوب سازماندهی شده بود بنابراین نقش تبلیغات در جذب عضو برای داعش حیاتی بود. داعش در شبکه‌های اجتماعی تصویری از دولت مدرن شامل ساختارهای قانونی و حاکمیت، یک اقتصاد مناسب و ماندگار، و توانایی تهیه نیازها و خدمات عمومی پیچیده را ارائه داد. برخی از اعضای داعش

1. Tse
2. Hadra

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-13]

که عضو این گروه شده بودند در کشورهای غربی یا کشورهای آسیایی، خاورمیانه در زمینه تامین نیازهای اولیه خود با مشکلات اساسی مواجه بودند و عمدتا از طبقات فقیر و کم‌درآمد بودند که به علت خصوصی‌سازی بیش از حد در کشورهایشان یا عدم‌توزیع مناسب ثروت یا تمرکز ثروت و قدرت در دست عده‌ای معدود دچار سرخوردگی، ناکامی و گسست هویتی شده بودند. بر همین مبنا، تصویر داعش در شبکه‌های اجتماعی خوشایند طبقاتی بود که احساس می‌کردند با پیوستن به داعش نه تنها هویت جدید بلکه منابع جدیدی نیز بدست می‌آورند(هادرا، ۲۰۱۵). خاروب[1] (۲۰۱۵) در تحقیقی با عنوان «فهم خشونت‌گرایی افراطی: روان‌شناسی اجتماعی هویت و پویایی‌های گروهی» که عمدتا بر رفتار خشونت‌آمیز گروه داعش متمرکز شده است نتیجه گرفتند؛ خشونت‌گرایی افراطی در اعضای داعش از جنبه‌ای مهم ریشه در فقر، بی‌ثباتی و خشونت‌های نمادین یا واقعی دارد که در کشورهای مبداءشان داشته‌اند؛ در واقع برنامه‌های اشتغال، توانمندسازی، حمایت‌های مالی دولتی از این اعضاء در کشورهایشان موثر واقع نشده است یا اصلا برای این گروه‌ا به اجرا در نیامده است. در واقع از منظر اعضای داعشی که سرخورده و ناکام بوده‌اند؛ سیاست‌های اجتماعی–اقتصادی در کشورهای غربی (کشورهای مبداءشان) نوعی انسان‌زدایی را به ارمغان آورده است که این اعضاء نادیده گرفته شده‌اند و هیچ‌گاه قدرت تحرک اجتماعی نداشته‌اند بنابراین افراط‌گرایی در خشونت این اعضاء نمادی از انسان‌زُدایی است که در آن اخلاقیات، ارزش‌ها و ترحم جایی ندارد (Kharroub, 2015).

۲-۲. چهارچوب نظری

نظریات این حوزه طیف وسیعی را شامل می‌شود که به طور مختصر به آن‌ها اشاره می‌شود. در مباحث جامعه‌شناختی نظریه تضاد طبقاتی مارکس تبیین‌کننده زمینه‌های اجتماعی–اقتصادی پیوستن پیکارجویان به داعش است؛ بر اساس نظریه تضاد طبقاتی مارکس، توزیع بد و نا متوازن ثروت در نتیجه سوء حکومت و وجود ثروت‌های سرشاری همچون نفت در اغلب کشورهای اسلامی، تضاد طبقاتی را در این جوامع روزافزون کرده است. از دیدگاه مارکس انقلاب، عمل خشونت‌آمیزی است که با هدف دگرگون‌کردن کل جامعه انجام شده و نقد ساختارهای اجتماعی موجود به سبب سطح بالای نابرابری‌ای است که ایجادکننده دور باطل

1. Kharroub

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-13]

فقر، جهل، گرسنگی و در نهایت خشونت می‌گردد(Gupta, 2004:3) اما اگر از زاویه‌ای دیگر به این موضوع توجه کرد باید گفت فقر و طردشدگی گروه‌های مختلف اجتماعی می‌تواند منجر به ناکامی–سرخوردگی منجر شود؛ مطابق با نظریه ناکامی–سرخوردگی، عامل اصلی رشد بنیادگرایی اسلامی، فقر است. هم فقر اقتصادی و هم فقر گفتمان سیاسی که دولت آن را تحمیل می‌کند. شرایط موجود در کشورهای نفت‌خیز عربی نشان می‌دهد عمده ثروت جامعه در دست عده‌ای معدود بوده و این کشورها دچار بی‌سوادی، مشکلات اقتصادی، بیکاری، پایین‌بودن سطح آموزش و مهارت و .... هستند اما همین موضوع در پیوستن جوانان اروپایی محروم و سرخورده نیز مصداق عینی دارد. سیاست‌های نئولیبرالیستی کشورهای اروپایی عملا جمعیت بسیاری از مسلمانان یا حتی خود مسیحیان این کشورها را به حاشیه رانده است. به طوری که مطابق نظر اسکات آتران، طبقه بی‌بضاعت و ناامید در اروپا و به ویژه در فرانسه آماده افراط‌گرایی است(Bergen, 2015: 2) . نگاهی به آمارهای فقر در کشورهای آسیای مرکزی که برخی از اعضای داعش از آن‌جا هستند نشان می‌دهد؛ در تاجیکستان ۸۵ درصد جمعیت زیرخط فقر زندگی می‌کنند. در قرقیزستان، به ویژه ساکنان جنوب این کشور اغلب بیکارند و بنابر آمار «سازمان بین‌المللی کار» در سال ۲۰۱٤، میزان بیکاری در تاجیکستان ۸ درصد، ازبکستان ۱۰ درصد، قرقیزستان ۸ و قزاقستان ۵ درصد بوده است (کریمی‌مله، پرشاسبی، ۱۳۹٤: ۱۸۱). اما توقف در عوامل اقتصادی موثر بر پیوستن به داعش چندان سودمند نخواهد بود و فراتر از عوامل اقتصادی به ابعاد اجتماعی نیز باید توجه نمود. براساس دیدگاه محرومیت نسبی، جنبش‌های اجتماعی، هنگامی سر بر می‌آورند که مردم احساس کنند از آن‌چه سهم عادلانه آن‌ها است، محروم شده‌اند و حتی لازم نیست محرومیت نسبی، واقعی و عینی باشد، بلکه تنها حس ذهنی بی‌عدالتی و نارضایتی جمعی برای احساس محرومیت کافی است (wu, 2018: 279) بر همین اساس حضور افراد طبقات متوسط و حتی مرفه نیز بر همین مبنا قابل پذیرش است. زندگی متزلزل طبقه‌های متوسط باعث می‌شود که آن‌ها مستعد پذیرش عملیات افراط‌گرایانه باشند(Bloom and Daymon, 2018: 374). افراط‌گرایی طبقه‌های متوسط سرخورده، مایوس و همیشه بیمناک از زیان اقتصادی بیشتر و ناتوان از اعتراض به سیاست‌های دولت، را قادر می‌سازد که دولت را به شدت هدف قرار دهند و باتوجه به زوال تدریجی سایر وجوه ایدئولوژیک، این افراط‌گرایی، ماهیت اسلامی به

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-13]

خود گیرد. نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد پیوستن جنگجویان خارجی به داعش با پویش‌های طرد اجتماعی، محرومیت نسبی، سرخوردگی و ناکامی، ناامیدی از بهبود شرایط اجتماعی- اقتصادی و نداشتن گزینه‌های بیشتر برای انتخاب و تبعیض ارتباط دارد(Benmelech and Klor, 2016: 14; Kruglanski, 2003:3)

مطابق با نظریه تعارض واقع‌گرایانه مظفر شریف (۱۹۵٤)، رقابت معقول برای دستیابی به منابع کمیاب، به سرعت به تعارض تمام‌عیار تبدیل می‌شود و در چنین وضعیتی، نگرش‌های منفی که هسته مرکزی پیش‌داوری را تشکیل می‌دهند، رواج می‌یابند. با جدی‌ترشدن رقابت، نگاه افراد درگیر به یکدیگر، به صورت فزاینده‌ای منفی می‌شود. در این مرحله اعضای گروه گرایش دارند که مرزهای میان خود و دیگری را مستحکم کنند و گروه‌های دیگر را کوچک بشمارند و به فرادستی خود ایمان آورند. داعش با تقسیم جهان به درون‌گروه و برون‌گروه خود، توانسته است در جذب افرادی که با این ایدئولوژی هم‌ذات‌پنداری کرده و از سوی دیگر، با برون‌گروه داعش احساس تعارض می‌کنند، موفق باشند (Gerges, 2014: 12). در ذیل و برگرفته از تعارض واقع‌گرایانه شریف، نظریه هویت اجتماعی تاجفل و همکارانش قرار دارد که می‌توانند زمینه‌ها و علل پیوستن پیکارجویان به داعش را تبیین نماید. مطابق این نظریه، افراد در برابر قدرت، منزلت و اندازه گروه‌شان حساس هستند و تمایل دارند از ارزش‌ها و نشانه‌ها و نهادهای اجتماعی که مربوط به گروهشان است حمایت کنند، زیرا هویت اجتماعی برای آن‌ها مهم است. نظریه هویت اجتماعی بر این باور است که اگر رقابت گروه‌ها بر سر منابع مای باشد، تعارض با توزیع عادلانه منابع قابل حل و فصل است؛ ولی هنگامی رقابت بر سر افتخار، احترام و ارزشمندی و بهتر دیده‌شدن باشد، پیروزی و بُرد یعنی همه‌چیز و حل تعارض دشوار می‌شود. بر همین مبنا، این گروه‌ها تولیدات سایر گروه‌ها را بی‌ارزش دانسته و در تخصیص منابع نسبت به آن‌ها تبعیض قائل می‌شوند. هویت در این نظریه براساس احساس تعلق و عدم‌تعلق به درون‌گروه و برون‌گروه، تعریف می‌شود و این تعلق با اهمیت‌دادن احساس و ارزش به عضویت گروهی خود همراه است. بنابراین بحران هویت برخی از پیکارجویان داعشی به علت تبعیضات سایر گروه‌ها در کشورهای مبداء منجر به عضویت در گروهی شده است هویت اجتماعی مثبت را جستجو و آن را حفظ می‌کنند (هاوتن، ۱۳۹۳: ۲۳؛ ویلیامز، ۱۳۹۵: ۱۰٤؛ Abrams and Hogg 2001). از این منظر هویت

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-13]

جمعی داعش سه پایه اصلی دارد: ۱- محیط ناامن که افراد را برای ایجاد ویژگی‌های اجتماعی جدید توانا می‌کند و افراد سرخورده و تحقیرشده می‌توانند به آن بپیوندند. این هویت جمعی باید این مطلب را روشن کند که دولت نمی‌تواند امنیتی را که افراد مستحق آن هستند و منابعی که لازم دارند را تامین کند؛ ۲- وسیله‌ای که مخاطبان را به گروه متصل کند، که در این رابطه دین پیوندی بسیار قوی است؛ ۳- منفعت شخصی. در واقع، هویت جمعی موقعیتی را ترسیم می‌کند که اگر کسی از دستورالعمل آن‌ها پیروی کند، امنیت فیزیکی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و مذهبی، تامین خواهد شد. این رویکرد در بیانیه ۱۶ ماده‌ای داعش که پس از گرفتن موصل صادر کرد و اعلام می‌کند: «کسانی که اشکال حکومت سکولار: جمهوری، بعثی، صفوی و ... را ایجاد کردند، موجب درد و رنج شما شدند. امروز زمان ایجاد دولت اسلامی است»، به خوبی دیده می‌شود (Kfir, 2014: 21).

دیدگاه دیگر در این ارتباط، دیدگاه هانا آرنت است. آرنت در کتاب «ریشه‌های توتالیتاریسم» معتقد بود برای فهم توتالیتر باید به روان‌شناسی توده‌ها پرداخت. توده به مجموعه‌ای از افراد بی‌هویت و سرگشته اطلاع می‌شود که در هر کشوری وجود دارند و طیف گسترده‌ای از افراد خنثی و لاقید سیاسی را شامل می‌شوند. این افراد نیازی به رد استدلال‌های مخالف احساس نمی‌کنند و پیوسته روش‌های منتهی به مرگ را بر ترغیب برتری می‌دهند و بیشتر با زبان ارعاب به جای بیان متقاعدکننده سخن می‌گویند. او متعقد است اتمیزه‌شدن از ویژگی‌های جامعه مدرن است و می‌نویسد ذره‌ذره‌شدن و انفراد اجتماعی شدید موجب الحاق ملحق‌نشدگانِ سازمان‌نیافته به جنبش‌های توتالیتر می‌شود. ویژگی اصلی انسان توده‌ای نه سنگدلی و نه واپس‌گرایی، بلکه انزواداشتن روابط اجتماعی بهنجار است. جنبش‌های توتالیتر، سازمان‌های توده‌ای متشکل از افراد ذره‌ذره‌شده و جدا از هم است. این جنبش از فردفرد اعضای خود وفاداری تام و نامحدود و بی‌چون و چرا و دگرگونی‌ناپذیر می‌خواهد. این درخواست از این داعیه ایدئولوژیک آن‌ها مایه می‌گیرد که سازمانشان در زمان مقتضی، سراسرِ نژاد بشری را در بر خواهد گرفت. چنین وفاداری‌هایی را تنها می‌توان از انسان‌های کاملاً منزوی چشم داشت؛ انسانی که هرگونه پیوند اجتماعی‌اش بریده شده است و تنها از طریق تعلق به یک جنبش یا عضویت در حزی احساس می‌کند که در این جهان جایی دارد (کریمی‌مله، پرشاسبی، ۱۳۹۴: ۱۸۳).

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-13]

۳- روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع پیمایشی و ابزار جمع‌آوری اطلاعات موردنیاز، پرسشنامه محقق‌ساخته است. پرسشنامه محقق‌ساخته براساس مطالعات نظری در مقالات و منابع مختلف علمی است، طیف مورد استفاده برای سنجش شدت نظرات پاسخگویان، طیف لیکرت به صورت خیلی‌زیاد (۵)، زیاد (٤)، تاحدودی (۳)، کم (۲)، خیلی‌کم (۱) است. جامعه آماری تحقیق کلیه اساتید و صاحبنظران در رشته‌های جامعه‌شناسی، علوم‌سیاسی و مطالعات تروریسم، مطالعات خاورمیانه، مستقر در شهر تهران بودند. روش نمونه‌گیری گلوله‌برفی بود. در این نمونه‌گیری بعد از شناسایی اولین صاحب‌نظر از وی خواسته شد صاحب‌نظر یا استاد بعدی را نیز معرفی کند، به همین ترتیب نمونه‌گیری ادامه یافت؛ بر همین اساس ۳۰ نفر بدین شیوه انتخاب شد. متغیرها شناسایی‌شده برای تنظیم پرسشنامه محقق‌ساخته از منابع استخراج‌شده در جدول زیر آمده است.

جدول ۱- زمینه‌ها و بسترهای گرایش پیکارجویان به گروه داعش از کشورهای مختلف

ردیف	متغیر	منبع
۱	فقر	آزینووی، جوسی، ۲۰۱۵؛ آلامگیر؛ زاوادسکی، ۲۰۱۵؛ وود، ۲۰۱۵
۲	بیکاری	لیستر، ۲۰۱٤؛ آلامگیر، ۲۰۰٦
۳	حاشیه‌نشینی	کروگانسکی و همکاران، ۲۰۰۹؛ گرگس، ۲۰۱٤
٤	طرد اجتماعی و نادیده‌گرفته‌شدن	گرگس، ۲۰۱٤؛ وان‌هولست، ۲۰۰٦؛ نیومن، ۲۰۱۵
۵	بیگانگی اجتماعی	اوان ، ۲۰۱۵؛ والنتیم، ۲۰۱۰؛ ویلیامز، عدنان، ۲۰۱۰
٦	طرد سبک زندگی غربی	مینزیلی، ۲۰۰۷؛ لیستر، ۲۰۱٤
۷	بی‌عدالتی اجتماعی-اقتصادی	ویلیام، عدنان، ۲۰۱۰؛ وود، ۲۰۱۵؛ موخیفی، ۲۰۱۵
۸	محرومیت نسبی	وود، ۲۰۱۵؛ بارت، ۲۰۱٤؛ دابیق، ۲۰۱٤
۹	سرخوردگی و ناکامی در رسیدن به اهداف آینده	آزینووی، جوسی، ۲۰۱۵؛ بورم، ۲۰۱۰؛ برگن، ۲۰۱۵؛ وان‌هولست، ۲۰۰٦
۱۰	تبعیضات(شغلی، درآمدی، استخدامی، خدماتی، مهارتی و آموزشی مهاجران)	نیومن، ۲۰۱۵؛ هویل و همکاران، ۲۰۱۵؛
۱۱	ناامیدی از بهبود شرایط زندگی	سزاری، ۲۰۱٤؛ خاروب، ۲۰۱۵
۱۲	شکاف‌های طبقاتی	تی‌سه، ۲۰۱٦؛ الرفیع، ۲۰۱۳
۱۳	نابرابری اقتصادی-درآمدی	مارتینز، ۲۰۱٦؛ هادرا، ۲۰۱۵؛ ویکتوروف، ۲۰۰۵؛ خاروب، ۲۰۱۵
۱٤	بحران هویت	کفیر، ۲۰۱٤؛ گوپتا، ۲۰۰۸؛ الرفیع، ۲۰۱۳
۱۵	بیگانه‌ستیزی و اسلام‌هراسی در غرب	عباس، ۲۰۱۵؛ ویکتوروف، ۲۰۰٦

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-13]

یافته‌ها

نمونه تحقیق شامل ۲۳ مرد و ۷ زن بودند؛ ۲۷ نفر متاهل (٪۹۰) و ۳ (٪۳۰) نفر مجرد بودند. ٪۱۰۰ پاسخگویان دارای دکترای تخصصی بودند. ۲۲ نفر عضو هیات علمی دانشگاه و ۸ نفر دیگر دارای سمت‌های سازمانی بودند. ابتدائا برای مشخص‌شدن وضعیت هر یک از عوامل یا متغیرها که به عنوان بستر و زمینه گرایش به داعش مطرح بوده است از آزمون تی تک‌نمونه‌ای استفاده شد.

سئوال ۱: وضعیت هر یک از متغیرهای استخراج‌شده از منظر پاسخگویان چگونه است؟

نتایج حاصل از فرضیه اول که بررسی وضعیت هر یک از زمینه‌های محرک پیوستن به گروه داعش بود نشان داد؛ شکاف‌های طبقاتی در کشورهای مختلف (اعم از کشورهای غربی، آسیای مرکزی، شمال افریقا و ...) با میانگین ٤/٤٦، نابرابری‌های اقتصادی–درآمدی با میانگین ٤/٤٠، بیگانه‌ستیزی و اسلام‌هراسی با میانگین ٤/٣٠، بحران هویت با میانگین ٤/٢٣، و سرخوردگی و ناکامی در رسیدن به اهداف آینده، تبعیضات (شغلی، درآمدی، استخدامی، خدماتی، مهارتی و آموزشی مهاجران) و ناامیدی از بهبود شرایط زندگی و حاشیه‌نشینی هر کدام با میانگین ٤/٠٣ بیشترین میانگین را به خود اختصاص داده‌اند. دقت در سایر بسترها و زمینه‌ها نیز نشان می‌دهد طرد سبک زندگی غربی با میانگین ٣/٩٣، بی‌عدالتی اجتماعی–اقتصادی با میانگین ٣/٨٣ و محرومیت نسبی با میانگین ٣/٦٦ نیز میانگین بیشتری از حدمتوسط هر سئوال داشته‌اند و بسترهای مهمی برای پیوستن به گروه تروریستی داعش بوده است. در نهایت بیگانگی اجتماعی با میانگین ٣/٣٠، طرد اجتماعی و نادیده‌گرفته‌شدن با میانگین ٣/٢٦، فقر با میانگین ٣/١٦ و بیکاری با میانگین ٣/١٠ به رغم این که در رده‌های آخر قرار دارند میانگین بالاتری از حدمتوسط هر سئوال دارند که نشان‌گر تاثیر این گزینه‌ها بر پیوستن افراد به داعش بوده است. مجموعا باید گفت به علت مطلوب‌بودن سطح معنی‌داری تمامی ۱۵ زمینه/بستر میانگین (sig=0/000)، آزمون تی تک‌نمونه‌ای مشخص کرد که بین میانگین هر مولفه یا حدمتوسط هر سئوال تفاوت معنی‌داری وجود دارد (p <05/0) (جدول ۲).

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-13]

جدول ۲. آزمون تی تک‌نمونه‌ای برای مولفه‌ها یا بسترهای محرک پیوستن به گروه تروریستی داعش

بسترها و زمینه‌ها	میانگین بدست‌آمده[1]	انحراف‌معیار	t	sig
۱- فقر	3/1667	0/64772	26/778	0/0000
۲- بیکاری	3/1000	0/75886	22/375	0/0000
۳- حاشیه‌نشینی	4/0333	1/51428	21/304	0/0003
٤- طرد اجتماعی و نادیده‌گرفته‌شدن	3/2667	1/01483	17/631	0/0000
٥- بیگانگی اجتماعی	3/3000	0/74971	24/109	0/0000
٦- طرد سبک زندگی غربی	3/9333	0/58329	36/935	0/0000
۷- بی‌عدالتی اجتماعی-اقتصادی	3/8333	0/59209	35/461	0/0000
۸- محرومیت نسبی	3/6667	0/66089	30/388	0/0000
۹- سرخوردگی و ناکامی در رسیدن به اهداف آینده	4/0333	0/66868	33/038	0/0000
۱۰- تبعیضات(شغلی، درآمدی، استخدامی، خدماتی، مهارتی و آموزشی مهاجران)	4/0333	0/71840	30/751	0/0000
۱۱- ناامیدی از بهبود شرایط زندگی	4/0333	0/76489	28/882	0/0000
۱۲- شکاف‌های طبقاتی	4/4667	0/93710	26/107	0/0000
۱۳- نابرابری اقتصادی-درآمدی	4/4000	0/93218	25/853	0/0000
١٤- بحران هویت	4/2333	0/81720	28/374	0/0000
۱٥- بیگانه‌ستیزی و اسلام‌هراسی در غرب	4/3000	0/70221	33/540	0/0000

سئوال ۲: مهم‌ترین بسترها و زمینه‌های محرک پیوستن پیکارجویان به گروه تروریستی داعش کدام‌اند؟

به منظور تعیین اهمیت و اولویت‌بندی، میانگین بسترها/زمینه‌ها براساس آزمون فریدمن رتبه‌بندی شد. نتایج حاصل نشان داد؛ شکاف‌های طبقاتی با میانگین رتبه‌ای ۱۵/۲۰، نابرابری اقتصادی-درآمدی با میانگین ١٤/٧٧، بیگانه‌ستیزی و اسلام‌هراسی در غرب با میانگین رتبه‌ای ۱۳/۹۵، بحران هویت با میانگین رتبه‌ای ۱۳/٦٨ مهم‌ترین زمینه‌ها و بسترهای پیوستن افراد به گروه تروریستی داعش بوده است. گروه دوم زمینه‌ها و بسترها از لحاظ درجه اهمیت (از منظر پاسخگویان) شامل تبعیضات (شغلی، درآمدی، استخدامی، خدماتی، مهارتی و آموزشی

۱. باتوجه به پنج‌گزینه‌ای بودن طیف لیکرت، میانگین هر سئوال به صورت استاندارد ۳ است بنابراین مبنای مقایسه میانگین‌های بدست‌آمده با میانگین نظری هر سئوال ۳ است.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-13]

مهاجران) با میانگین رتبه‌ای ۱۲/۱۵، ناامیدی از بهبود شرایط زندگی با میانگین رتبه‌ای ۱۲/۱۳، سرخوردگی و ناکامی در رسیدن به اهداف آینده با میانگین رتبه‌ای ۱۱/۸۳، طرد سبک زندگی غربی با میانگین رتبه‌ای ۱۱/۵۷ و بی‌عدالتی اجتماعی-اقتصادی با میانگین رتبه‌ای ۱۰/۹۰ قرار داشتند. طرد اجتماعی و نادیده‌گرفتن‌شدن (۷/٦۷)، بیگانگی اجتماعی(۷/۳۵)، حاشیه‌نشینی(۷/۰۳)، فقر (٦/٤۰) و بیکاری (۵/٦۸) در رده‌های آخر اهمیت از منظر پاسخگویان قرار داشتند. آزمون فریدمن این تفاوت‌ها را معنی‌دار نشان داد (p <05/0) (جدول ۳).

جدول ۳- نتایج آزمون فریدمن درباره بسترها و زمینه‌های محرک پیوستن پیکارجویان به گروه تروریستی داعش

بسترها و زمینه‌ها	میانگین رتبه
فقر	٦/٤۰
بیکاری	۵/٦۸
حاشیه‌نشینی	۷/۰۳
طرد اجتماعی و نادیده‌گرفته‌شدن	۷/٦۷
بیگانگی اجتماعی	۷/۳۵
طرد سبک زندگی غربی	۱۱/۵۷
بی‌عدالتی اجتماعی-اقتصادی	۱۰/۹۰
محرومیت نسبی	۹/۹۷
سرخوردگی و ناکامی در رسیدن به اهداف آینده	۱۱/۸۳
تبعیضات(شغلی، درآمدی، استخدامی، خدماتی، مهارتی و آموزشی مهاجران)	۱۲/۱۵
ناامیدی از بهبود شرایط زندگی	۱۲/۱۳
شکاف‌های طبقاتی	۱۵/۲۰
نابرابری اقتصادی-درآمدی	۱٤/۷۷
بحران هویت	۱۳/٦۸
بیگانه‌ستیزی و اسلام‌هراسی در غرب	۱۳/۹۵

Sig=0000/ X2= 150527/ DF=19

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-13]

بحث و نتیجه‌گیری

پدیده‌های اجتماعی چندبُعدی بوده و در علت‌یابی و شناخت بسترهای آن به عوامل داخلی و خارجی دقت ویژه‌ای نمود. تروریسم نیز به عنوان یک پدیده اجتماعی–سیاسی از این قاعده مستثنی نیست. متاسفانه در سال‌های اخیر تبلیغات رسانه‌ای و تحلیل‌ها و تفسیرهای مختلف، تروریسم را زاییده بیگانگان و دخالت کشورها در امور یکدیگر معرفی کرده است و گروه‌های تروریستی را ابزار دست دولت‌ها نشان داده‌اند، اما وقتی با گروهی نظیر داعش روبرو می‌شویم که توانسته به واسطه تبلیغات یا سایر ابزارها صدها تن را از کشورهای خود روانه میدان‌های جنگ نماید به این نکته پی می‌بریم که زمینه‌ها و بسترهای اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی قوی در کشورهای مبداء این پیکارجویان وجود دارد که محرک و مشوق پیوستن این افراد به گروه‌های تروریستی بوده است و جنگجویان خارجی عضو داعش که از کشورهای اروپایی آمده‌اند نیز بر اهمیت و بررسی زمینه‌ها و محرک‌های داخلی این موضوع افزوده است. تحقیق حاضر با هدف تبیین و اولویت‌بندی زمینه‌ها و بسترهای محرک پیوستن پیکارجویان به گروه تروریستی داعش از منظر جامعه‌شناختی صورت گرفت. باتوجه به اهمیت گروه تروریستی داعش در تحولات چندسال اخیر دو کشور عراق و سوریه به طور اخص و کشورهای منطقه و اروپایی به طور اعم، مجموعه‌ای از بسترها و زمینه‌های مشوق گرایش افراد به گروه تروریستی داعش از منابع اغلب غربی استخراج شد و در اختیار صاحب‌نظران این حوزه که اغلب از رشته‌های جامعه‌شناسی و علوم‌سیاسی بودند قرار گرفت. نتایج نشان داد؛ شکاف‌های طبقاتی، نابرابری اقتصادی–درآمدی، بیگانه‌ستیزی و اسلام‌هراسی در غرب، بحران هویت، به عنوان ۵ زمینه مهم پیوستن افراد به گروه تروریستی داعش از منظر پاسخگویان بوده است. این یافته‌ها با نتایج تحقیقات تی‌سه (۲۰۱٦)، هادرا (۲۰۱٦)، خاروب (۲۰۱۵)، اشرف‌نظری و پیرانی (۱۳۹٦)، امینیان، زمانی‌زمانی (۱۳۹۵)، کوهکن‌باقری و باقری (۱۳۹٤)، کریمی‌مله و گرشاسبی (۱۳۹٤)، محمدیان، ترابی (۱۳۹٤)، زارعان (۱۳۹٤) هم‌پوشانی دارد. در تبیین باید گفت در کشورهای خاورمیانه به علت انباشت ثروت نفتی در دست عده‌ای معدود و تشدید الگوی مصرف‌گرایی غربی با جمعیت نسبتا گسترده‌ای از افراد بی‌سواد، کم‌سواد، فاقد مهارت و حاشیه‌نشین مواجه هستیم که از بسیاری از حقوق خود محروم شده‌اند و ساختار سیاسی این کشورها به علت عقب‌ماندگی اجازه هیچ‌گونه اعتراض را نیز نمی‌دهند

فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-13]

این موضوع سبب می‌شود که نوعی حس محرومیت، سرخوردگی و ناامیدی از بهبود شرایط زندگی یا رسیدن به اهداف آینده نیز بروز نماید یا حتی در خود کشورهای اروپایی مناطق حومه کلان‌شهرهایی نظیر پاریس و لندن مرکز تمرکز مهاجران بیکار، طردشده، و فقیر است که علنا و عملا می‌توانند به واسطه حادثه‌ای بحران‌آفرین باشند. مطابق با تئوری کاستلز حاشیه‌نشینان آمادگی زیادی برای تشکیل جنبش‌های اجتماعی یا پیوستن به گروه‌های افراطی دارند (به آتش‌کشیدن بیش از ۲۰ هزار خودرو در سال ۲۰۰۸ در اطراف پاریس مصداق عینی شورش حاشیه‌نشینان بود نسبت به تبعیضات نژادی و نابرابری‌های اجتماعی–اقتصادی که در دوران وزیرکشوری نیکولاس سارکوزی اتفاق افتاد). در کشورهای آسیای مرکزی نیز همین وضعیت بیکاری، فقر و تبعیض و سیاست‌های ضداسلامی (از جمله سیاست اسلام کریم‌اف) نیز وجود دارد. باید اضافه نمود؛ مدرنیته مصرفی با تبعیضات خود در کشورهای غربی مطابق با نظر ارنت موجبات تفرد و انزوای بیش از پیش افراد شده است و این افراد بالقوه آماده خشونت هستند در همین حال تبلیغات رسانه‌ای غربی نیز نوعی بیگانه‌هراسی و اسلام‌هراسی را نیز القاء می‌کنند که موجبات گسترش فاصله اجتماعی بین مهاجران مسلمان و شهروندان آن کشور می‌شود. همه این عوامل به همراه عدم‌توزیع مناسب ثروت به همراه عدم‌توانایی جذب گروه‌های حاشیه‌نشین و بستن راه‌های تحرک اجتماعی این اقشار موجبات ایجاد زمینه‌های شورش، یا پیوستن به گروه‌های شورشی و تروریستی نظیر داعش را فراهم ساخته است. نتایج مربوط به سایر عوامل نیز نشان داد زمینه‌ها و بسترهایی نظیر؛ تبعیضات (شغلی، درآمدی، استخدامی، خدماتی، مهارتی و آموزشی مهاجران)، ناامیدی از بهبود شرایط زندگی، سرخوردگی و ناکامی در رسیدن به اهداف آینده، طرد سبک زندگی غربی، بی‌عدالتی اجتماعی–اقتصادی، طرد اجتماعی و نادیده‌گرفتن‌شدن، بیگانگی اجتماعی، حاشیه‌نشینی، فقر، و بیکاری در پیوستن به گروه تروریستی داعش موثر بوده است. این یافته، نتایج تحقیقات این یافته‌ها با نتایج تحقیقات تی‌سه (۲۰۱٦)، هادرا (۲۰۱٦)، خاروب (۲۰۱۵)، اشرف‌نظری و پیرانی (۱۳۹٦)، امینیان، زمانی‌زمانی (۱۳۹۵)، کوهکن‌باقری و باقری (۱۳۹٤)، کریمی‌مله و گرشاسبی (۱۳۹٤)، محمدیان، ترابی (۱۳۹٤)، زارعان (۱۳۹٤) را از این جنبه مورد تایید قرار می‌دهد که وجود انواع تبعیضات، فقر و حاشیه‌نشینی در کشورهای فرستنده پیکارجو به داعش سبب شده است که عملا با تداوم نابرابری و انواع محرومیت‌ها مواجه باشیم؛ زمانی که

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-13]

افراد در محلات فقر زندگی می‌کنند و منبع درآمد مناسبی ندارند نوعی فقدات تعهد و تعلق نسبت به کل جامعه در بین آن‌ها پدید می‌آید که زمینه‌های سرخوردگی و ناامیدی آن‌ها را فراهم می‌آورند در واقع این افراد از یک محل کنده شده‌اند و در پی پیوستن به گروهی دیگر هستند گروهی که با آموزه‌های مذهبی به عنوان ایئولوژی مسلط بر فعالیت خود نه تنها شرایط بحرانی اعضاء در کشورهای مبداء را حاصل اقدامات دشمنان خود (برون‌گروه متخاصم) می‌دانند بلکه فعالیت و نبرد با این دشمن را راه رسیدن به آرمان‌های خود می‌پندارند. در واقع جهادگرایی و پیکارجویی سنگربندی جدید و ایده‌آلی تلقی می‌شود که اعضاء از جا کنده‌شده به بهترین نحو می‌توانند هویت و هستی خود را بروز دهند از بیگانگی و طرد اجتماعی نجات پیدا کنند. اتفاقا موفقیت داعش در جذب اعضاء پیامی به جهانیان است که ایدئولوژی‌های خطرناک و واپس‌گرا می‌توانند در زمان کم اقدامات خطرناک و تخریب‌گری انجام دهند چرا که دارای افرادی سرخورده، ناامید، بیگانه از محیط اجتماعی، طردشده و مورد تبعیض واقع‌شده هستند. بر همین اساس، اعضاء غربی داعش (مسلمان یا غیرمسلمان) در دل حسی از انتقام و کینه نسبت به جوامع تبعیض‌آفرین، طردکننده و داغ‌زننده غرب می‌پرورانند و نوعی انسان‌زُدایی را به ویژه در کشتن گروگان‌های غربی به نمایش می‌گذارند چرا که مطابق تحقیق خاروب اعضاء داعش این حس را در کشورهای مبداء داشتند که به علت سیاست‌های اجتماعی–اقتصادی دول غربی از گردونه جامعه خارج شده و هیچ‌گاه دیده نخواهند شد از همین‌رو، با پیوستن به داعش نه تنها سبک زندگی غرب را طرد می‌کنند بلکه اساسا گفتمان آزادی و دموکراسی غربی را به چالش می‌کشند. بنابراین ضرورت دارد برای جلوگیری از گسترش تفکرات و ایدئولوژی‌های خطرناک نظیر داعش، دول غربی در سیاست‌های حمایتی از کشورهای عربی که موضوعات حقوق بشری اصلا جایی ندارد تجدیدنظر نهائی شود چرا که بسیای از فقرای کشورهای عربی از اعضاء فعال داعش هستند همچنین سیاست‌های نئولیبرالیستی اقتصادی که بر تشدید خصوصی‌سازی و کاهش مسئولیت‌پذیری دولت در زمینه‌های اجتماعی–اقتصادی تاکید دارد مورد تجدیدنظر اساسی قرار گیرد. اما نکته مهم برای جامعه‌شناسان این است که بتوانند لایه‌های پنهان جنبش‌های اجتماعی و زمینه‌های محرک آن را شناسایی نمایند همانطور که ملاحظه شد از منظر پاسخگویان عوامل اجتماعی–فرهنگی به همراه عوامل اقتصادی زمینه‌های محرک اصلی برای پیوستن افراد به گروه داعش بوده است

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی –پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-13]

و این تفکر که تنها دخالت‌های خارجی موجب تشکیل گروه‌های تروریستی می‌شود تنها در کنار زمینه‌ها و بسترهای اجتماعی-اقتصادی معنی می‌یابد.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-13]

منابع

اشرف‌نظری، علی؛ پیرانی، شهره (۱۳۹٦). نظریه هویت اجتماعی و بازنمایی کنش هویتی داعش. *فصلنامه مطالعات ملی*، ۷۰، سال هجدهم، شماره ۲. صص. ۷۷-۹۸.

امینیان، بهادر؛ زمان، سیدحسام‌الدین (۱۳۹۵). چارچوبی نظری برای تحلیل رفتار گروه داعش. *تحقیقات سیاسی و بین المللی* : بهار ۱۳۹۵ , دوره ۸ , شماره ۲٦ – از صفحه ۱ تا صفحه ۲٤

آذین، احمد؛ سیف‌زاده، علی (۱۳۹٤). بررسی زمینه‌های اجتماعی و سیاسی ظهور داعش در خاورمیانه. سال ۲۹، شماره ٤، زمستان ۱۳۹٤، ۲۲ ۲۷-۵۰.

زارعان، احمد (۱۳۹۳). زمینه های ظهور و گسترش داعش در محیط امنیتی غرب آسیا. آفاق امنیت : تابستان ۱۳۹۳ , دوره ۷ , شماره ۲۳ – از صفحه ٦۷ تا صفحه ۹٦ .

کریمی‌مله، علی؛ گرشاسبی، رضا (۱۳۹٤). بررسی چرایی پیوستن جنگجویان خارجی به داعش. پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال پنجم، شماره اول، بهار ۱۳۹٤، صص. ۱۷۹-۱۵۵.

کوهکن‌باقری، علیرضا؛ باقری، سامیه (۱۳۹٤). زمینه‌های شکل‌گیری گروه داعش در آسیای مرکزی. پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال پنجم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹٤، صص ۱۸۳-۲۰۷.

محمدیان، علی؛ ترابی، قاسم (۱۳۹٤). بسترها و عوامل موثر در شکل گیری گروهک تروریستی داعش. سیاست دفاعی : زمستان ۱۳۹٤ , دوره ۲۳ , شماره ۱ (پیاپی ۹۳) – از صفحه ۲۱۸ تا صفحه ۲۳۰ .

ویلیامز، ری (۱۳۹۵). روان‌شناسی تروریسم، از مجموعه مقالات پیرامون تروریسم، ترجمه رضا دانشمندی، مشهد: مرندیز، صص ۱۰۰-۱۱۳.

Abbas, Tahir (2015). Preventing Islam phobia and Radicalization. Council of Europe. Strasbourg. France.

Abrams, D., Hogg, M.A (2001). Comments on the motivational status of self-esteem in social identity and intergroup discrimination, New York: psychology press.

Awan, Akil. N. (2015). Religion, Youth and the Effect of ISIS Narrative on Radicalization in the West, in "From the Desert to World Cities, The new Terrorism". Konrad-Adenauer-Stiftung.

Benmelech, Efraim, and Klor, Esteban F. (2016), "What Explains the Flow of Foreign Fighters to ISIS?", NBER Working Paper 22190.

Bergen, Peter (2015) IMU Members Pledge Support to ISIS, Foreign Policy, available at:http://foreignpolicy.com/2015/03/31/imu-members-pledge-support-to-isis.

Bloom. panel Mia., Daymon , Chelsea (2018). Assessing the Future Threat: ISIS's Virtual Caliphate. Orbis. Volume 62, Issue 3, 2018, Pages 372-388

Briggs, Rachel obe & Tanya Silverman (2014). Western Foreign Fighters Innovations in

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-13]

Responding to the Threat. Institute for Strategic Dialogue.

Cesari, Jocelyne (2014). Understanding the Dynamics of ISIL Mobilization: The Challenge of Foreign Fighters. In: Multi-Method Assessment of ISIL. A Strategic Multilayer Assessment (SMA) Periodic Publication.

Gerges, Fawaz A. (2014). ISIS and the third wave of jihadism, current history. December.

Gupta, Dipak K. (2008), Understanding Terrorism and Political Violence. London: Routledge, available at: http://www.theatlantic.com/magazine/archive/2015/03/what-isis-really-wants/384980/

Hadra, Dana (2015). ISIS: Past, Present and Future? ProISIS Media and State Formation. A Senior Honors Thesis: Boston College.

Hoyle, Carolyn & Aalexandra Bradford & Ross Frenett (2015). Becoming Mulan? Female Western Migrants to ISIS. Institute for Strategic Dialogue. In: From The Desert to World Cities, The new Terrorism. Konrad-Adenauer-Stiftung. Peresin, Anita (2015). Fatal Attraction: Western Muslimas and ISIS. Perspective on Terrorism. Vol. 9. No. 3.

Kfir, Isaac (2014), "Social Identity Group and Human (In) Security: The Case of Islamic State in Iraq and the Levant (ISIL)", Institute for Nat ional Security and Counterterrorism (INSCT), Dec 2014, 1-48.

Kruglanski, Arie W. (2002), "Inside the Terrorist Mind University of Maryland, College Park", Paper presented to the National Academy of Science, at its annual .meeting, April 29, Washington, D.C, available at: https://terpconnect. umd.ed.

Martinez, L. (2016). Number of ISIS Fighters in Iraq and Syria Drops, Increases in Libya, US Official Says. ABC News.

Mokhefi, Mansouria (2015). France after Paris: Domestic radicalization and policy Responses, in: From the Desert to World Cities, The new Terrorism. Konrad-Adenauer-Stiftung.

Neumann, Peter R. (2015). Western Jihadists in Syria and Iraq: A Preliminary Overview.

Tse, Tiffany (2016). ISIS and Recruitment: How Do Demographics Play a Role? A Senior Honors Thesis. Carnegie Mellon University.

Wu, Tianchi (2018). Landpower, Time, and Terrorism: A Strategy of Lightness in the Counter-ISIS Campaign. Orbis. Volume 62, Issue 2, 2018, Pages 278-293.

Zavadski, Katie (2015). "The United States of ISIS: More Popular Than Al Qaeda

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-13]

Ever Was." The daily Beast, September 11, 2015. http://www.thedailybeast.com/articles/2015/09/11/the-united-states-of- isis.html

به این مقاله این‌گونه ارجاع دهید:
DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۰۸۰۲۰۱
مرادی، مصطفی؛ شایگان، فریبا؛ نویدنیا، منیژه (۱۳۹۷)، «تبیین جامعه‌شناختی و اولویت‌بندی زمینه‌ها و بسترهای محرک پیوستن پیکارجویان به گروه تروریستی داعش از منظر صاحب‌نظران ایرانی»، *فصلنامهٔ پژوهشهای سیاسی جهان اسلام*، س۸، ش۲، تابستان ۹۷، صص ۲۱-۱.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-13]